



اصل تعادل و وجوه آن در آموزه‌های دینی

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی و همچنین در اداره امور و سیاست، اصل تعادل را داشته و از هرگونه افراط و تفریط در هر کاری پرهیز می‌کرد و تأکید فراوان داشت که امتش نیز از او پیروی کنند و در زندگی میانه رو باشند.

خبرگزاری رسا - پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله در رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی و همچنین در اداره امور و سیاست، اصل تعادل را داشته و از هرگونه افراط و تفریط در هر کاری پرهیز می‌کرد و تأکید فراوان داشت که امتش نیز از او پیروی کنند و در زندگی میانه رو باشند.

اصل تعادل و میانه روی، همواره به عنوان یک اصل مهم در همه شرایط و موقعیت‌ها به حساب می‌آید؛ به طوری که با تحقیق و پژوهش می‌توان دریافت که اصل تعادل در آموزه‌های دینی یعنی آیات و روایات نیز لحاظ شده است. همواره آموزه‌های دینی، امت اسلام را امت میانه و وسط می‌نامد و همواره بدان توصیه می‌کنند؛ به طوری که در روایات آمده است: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ، عَلَيْكُمْ بِالْقَصْدِ؛ ای مردم بر شما باد بر میانه روی، بر شما باد بر میانه روی، بر شما باد بر میانه روی.» [1]

همچنین خدای متعال در قرآن کریم، در این باره فرموده است: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَ يُكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا؛ و همان گونه (که برای شما قبله مستقل تعیین کردیم) شما را امتی میانه (معتدل میان افراط و تفریط) قرار دادیم، تا شما (در روز قیامت) بر مردم گواه باشید و این پیامبر هم بر شما گواه باشد.» [2]

اصل تعادل، که در قرآن به آن توجه زیادی شده است، در زندگی و سیره پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و ائمه هدی علیهم‌السلام و در کلیه اعمال و رفتارشان به وضوح دیده می‌شود. آنان به هیچ وجه در هیچ کاری، از راه تعادل و میانه روی خارج نشدند. سیره و زندگانی پیامبر(ص)، در همه وجوه، سیره‌ای معتدل بود. همان طوری که امیرمومنان علی علیه‌السلام، در مورد پیامبر گرامی اسلام فرموده است: «سِيرَةُ الْقَصْدِ؛ سیره و رفتار رسول خدا، میانه و معتدل بود.» [3]

پیغمبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، در رفتار فردی، خانوادگی و اجتماعی و همچنین در اداره امور و سیاست، اصل تعادل را داشته و از هرگونه افراط و تفریط در هر کاری، پرهیز می‌کرد و تأکید فراوان داشت که امتش نیز از او پیروی کنند و در زندگی میانه رو باشند. [4]

متأسفانه، بسیاری از افراد در جامعه، با فقدان این اصل در سیره و زندگی خود مواجه بوده و هستند. از این رو، یا رو به افراط و یا رو به تفریط گرویده‌اند و از مسیر درست و طریق کمال و هدایت خارج شده‌اند.

محدوده تعادل در اسلام

تعادل و میانه روی در منابع و آموزه‌های دینی، به عنوان یک اصل انکار نشدنی مطرح می‌شود. در ادامه به برخی از وجوه آن اشاره می‌کنیم.

تعادل در امور عبادی

با این که عبادت از مقدس‌ترین مقولات دینی به حساب می‌آید، ولی آموزه‌های دینی، تعادل و میانه روی در آن را امری مهم‌تر اعلام می‌کنند. پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، می‌فرماید: «این دین محکم و متین است؛ پس با ملایمت با آن برخورد کنید و عبادت خدا را به بندگان خدا با کراهت تحمیل نکنید، تا همچون سوار درمانده‌ای باشید که نه مسافت پیموده و نه مرکبی به جا گذاشته است.» (به سبب زیادی سرعت، مرکبش در میان راه از رفتن بازمانده و خودش هم به مقصد نرسیده است.)» [5]

بنابراین دین‌داری نیازمند تعادل و اعتدال است و برای سیر دادن انسان‌ها به مقاصدی که دین مشخص کرده است، لازم است که استعداد و توانمندی‌های آنان و اصل تدرّج در این مسیر را در نظر داشت.

در آموزش و یادگیری تعالیم و آموزه‌های دینی به فرزندان، شرط لازم و ضروری، رعایت تعادل است؛ زیرا افراط در امور عبادی و تحمیل آن بر دیگران، با خود پس زدن را به دنبال دارد.

البته ناگفته نماند که افراط و زیاده‌روی در امور عبادی، افرادی را شامل می‌شود که غیر از انجام عبادات واجب، آن قدر به عبادات استحبابی می‌پردازند که زندگی آنان دچار مشکل می‌شود و از کار و زندگی و سایر وظایف خود باز می‌مانند؛ اما این گروه در جامعه معاصر کمتر دیده می‌شوند؛ به طوری که متأسفانه اکثریت مردم، به ویژه اقشار جوان با سرگرمی‌ها و مواردی از این دست، در امور عبادی، گرفتار واماندگی هستند که حتی به انجام عبادات واجب نیز توجه لازم را ندارند.

تعادل در گفتار

سخن و بیان از مواهب بزرگ الهی و مهم‌ترین عامل نقل و انتقال معانی است که خدای متعال آن را مایه امتیاز انسان از موجودات دیگر قرار داده و فرموده: «الرَّحْمَنُ عَلَّمَ الْقُرْآنَ خَلَقَ الْإِنْسَانَ عَلَّمَهُ الْبَيَانَ؛ خداوند رحمان، قرآن را تعلیم فرمود، انسان را آفرید و به او بیان را آموخت.» [6]

با این وجود، اگر سخن گفتن از حد تعادل خارج شود، منجر به پرو گویی می‌شود. لذا کارشناسان علم اخلاق در غیر موارد ضروری، توصیه به سکوت می‌کنند تا سخن گفتن؛ امام علی علیه‌السلام، در این باره فرموده: «الْكَلَامُ كَالدَّوَاءِ قَلِيلُهُ يَنْفَعُ وَ كَثِيرُهُ قَاتِلٌ؛ سخن گفتن مانند داروست؛ کم آن نفع می‌رساند و زیاده روی در آن کشنده و مهلك است.» [7]

کم گوی و گزیده گوی چون در کز اندک تو جهان شود پر [8]

تعادل در مشی و راه رفتن

با این که ظاهراً، راه رفتن مساله جزئی و پیش افتاده‌ای به حساب می‌آید، اما قرآن کریم، تعادل در همین مورد را مورد توجه قرار داده است: «وَ اقْصُدْ فِي مَشْيِكَ؛ در راه رفتن میانه رو باش.» [9] «وَ عِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا؛ بندگان شایسته خدا کسانی هستند که روی زمین با تواضع راه می‌روند.» [10]

تعادل در خوردن و آشامیدن

امام رضا علیه‌السلام، در این باره فرموده است: «آگاه باش که بدن انسان همچون زمین پاکیزه‌ای است که برای آباد کردن آن، اگر تعادل

در آن رعایت شود و آب به مقدار لازم به آن داده شود، نه آن اندازه که زمین زیر آب غرق شود و نه آن اندازه کم که تشنه بماند؛ چنان زمین، آباد می‌شود و محصول فراوانی می‌دهد. ولی اگر از رسیدگی صحیح غفلت شود، آن زمین فاسد و تباه می‌گردد. بدن انسان نیز چنین است. با توجه و مراقبت در خوردنی‌ها و نوشیدنی‌ها، بدن سلامت و صحت می‌یابد و نعمت و عافیت را به دست می‌آورد.» [11]

همچنین در قرآن کریم نیز آمده است: «كُلُوا وَ اشْرَبُوا وَ لَاتَسْرِفُوا؛ بخورید و بیاشامید، ولی زیاده روی و اسراف ننمایند.» [12]

سعدی فرمود: نه چندان بخور کز دهانت در آید نه چندان که از ضعف جانت بر آید [13]

تعادل در دنیا طلبی و آخرت گرایی

بر اساس آموزه‌های دینی، نه دنیا طلبی و نه آخرت گرایی صرف هرگز توصیه نمی‌شود؛ بلکه تعادل در هر امری توصیه می‌شود. امام جعفر صادق علیه‌السلام، در این باره فرموده است: «لَيْسَ مِمَّا مَنَ تَرَكَ دُنْيَاَهُ لِآخِرَتِهِ وَ لَا آخِرَتُهُ لِدُنْيَاِهِ؛ کسی که دنیای خود را به خاطر آخرت ترک کند، از ما نیست و آن که آخرت خویش را برای دنیا نادیده بگیرد، با ما وابستگی ندارد.» [14]

تعادل در خشم و غضب

بدون شک و تردید از جمله مواهبی که خدای متعال در وجود انسان قرار داده تا او را در برابر عوامل تهدید کننده حفظ کند و مانع از آسیب پذیری او شود، خشم و غضب است. قرآن کریم در توصیف پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله و یارانش فرموده است: «مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَ الَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ...؛ محمد پیامبر خدا و کسانی که با او هستند، بر کافران سختگیرند...» [15] امام علی علیه‌السلام نیز مالک اشتر را این‌گونه توصیف می‌کند: «مالک اشتر بر گناهکاران از آتش سوزان سختگیرتر و شدیدتر است.» [16]

بنابراین، این حالت روحی در صورتی مفید خواهد بود که اولاً در جای خود به کار گرفته شود و دوماً تعادل و میانه روی در آن رعایت شود. راه میانه در خشم، حلم و بردباری و خویشتن داری در برابر خشم و استفاده درست و به جا از آن است. امام جعفر صادق علیه‌السلام، در این باره می‌فرماید: «مؤمن فردی است که در هنگام خشم از حق عدول نکند.» [17]

قرآن کریم نیز می‌فرماید: «...وَ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَتَاٌ قَوْمٌ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اْعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ...؛ به عدل گواهی دهید دشمنی با گروهی دیگر وادارتان نکند که عدالت نورزید! عدالت ورزید که به تقوی نزدیک‌تر است...» [18]

تعادل در راه ارضای غریزه جنسی

تعدیل امیال نفسانی و جنسی روشی است که همواره دین اسلام، آن را توصیه کرده است و بر خلاف برخی نظریات افراطی رایج در غرب و کلیسا در این باره، راه میانه‌ای را انتخاب و معرفی کرده است. در حالی که کلیسا همواره تجرد بر ازدواج ترجیح دانسته است. «پولس» که هم از جمله قدیسیں و روحانی کلیسا محسوب می‌شود، ازدواج ننموده و با هیچ زنی پیوند همسری برقرار نکرده است و همواره به زنان و مردان توصیه می‌کند که از انتخاب همسر خودداری کنند. او می‌گوید: «مرد را نیکو آن است که زن را لمس نکند!» [19]

کلیسا معتقد است که ازدواج، با نیت و هدف تولید مثل جایز است؛ ولی در عین حال پلیدی و زشتی ذاتی ازدواج، با تولید مثل جبران نمی‌شود. از طرفی دیگر، صاحبان نظریات رایج در غرب، انگیزه و هدف تمام رفتارها و کارهای هنری را با غریزه جنسی توجیه کرده‌اند و می‌گویند: روابط مادر با فرزند، معلم با شاگردان و به طور کلی، تمام ارتباط‌های اجتماعی میان اشخاص، یا طبعاً خصیصه جنسی دارند، یا دارای اصل و ریشه جنسی هستند. ولی، قرآن کریم با طرح ازدواج و ارضای مشروع غریزه جنسی، راهی میانه را (با نهی از شهوت رانی و فساد) پیشنهاد داده و می‌فرماید: «إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ مَلُومِينَ؛ جز بر همسران یا کنیزان خویش، که در نزدیکی با آنان مورد ملامت قرار نمی‌گیرند.» [20] اسلام بر خلاف کلیسا، ازدواج را بر تجرد ترجیح می‌دهد.

«روزی خانمی خدمت امام محمد باقر علیه‌السلام، آمد و عرض کرد: من از متبتله هستم. امام سوال فرمود: منظورت از تبتل چیست؟ در پاسخ آن زن گفت: قصد کرده‌ام هرگز ازدواج نکنم. حضرت پرسید: برای چه؟ گفت: می‌خواهم به سبب این عمل، به فضل و برتری دست یابم. حضرت در پاسخ به او فرمود: این فکر را رها کن. اگر در این کار فضیلتی بود، فاطمه زهرا سلام‌الله‌علیها برای رسیدن به آن از تو شایسته‌تر بود؛ زیرا هیچ کس در فضیلت بر او پیشی نکرده است.» [21]

همانا ازدواج از سنت پیغمبر اکرم (ص) بوده است. امام جعفر صادق علیه‌السلام در این باره فرموده است: «ازدواج کنید، همانا رسول خدا صلی‌الله‌علیه‌وآله فرمود: هر کس دوست دارد از سنت من پیروی کند، یکی از سنت‌های من ازدواج است.» [22]

اما با این وجود، آموزه‌های دینی، همواره بی‌بندوباری جنسی و زیاده روی در آن را مورد انتقاد قرار داده و به عواقب آن هشدار می‌دهند. امام علی علیه‌السلام فرمود: «مَنْ تَسَرَّعَ إِلَى الشَّهَوَاتِ تَسَرَّعَ إِلَى الْآفَاتِ؛ کسی که در شهوات تند روی کند، آفات با سرعت به سوی او می‌شتابد.» [23]

تعادل در مسائل مالی و اقتصادی

تعادل و میانه روی در مسائل مخارج مالی، یکی از وظایف لازم و ضروری به حساب می‌آید. البته این تعادل و میانه روی، ارتباطی به درآمد کم و یا زیاد ندارد. روشن است در مورد افرادی که از درآمد کمتری برخوردارند، اهمیت آن بیشتر احساس می‌شود؛ ولی آموزه‌های دینی، همواره توصیه می‌کنند در همه حال و در هر شرایطی که هستند، در خرج کردن، تعادل را رعایت کنند. تعادل در مخارج زندگی باعث می‌شود که بسیاری از مشکلات ساختگی انسان‌ها بر طرف شود.

پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله، فرموده است: «الْإِقْتَصَادُ فِي النَّفَقَةِ نِصْفُ الْمَعِيشَةِ؛ میانه روی در خرج کردن، نیمی از زندگی است.» [24]

در حدیثی از امام محمد باقر علیه‌السلام، نیز آمده است که آن حضرت فرمود: «سه چیز است که نجات دهنده انسان است که از جمله آن میانه روی در خرج کردن، در هنگام ثروتمندی و تهیدستی است.» [25]

منبع:

- [1]. کنز العمال، ج 3، ص 28
- [2]. سوره بقره، آیه 143
- [3]. نهج البلاغه، کلمات قصار، 67
- [4]. کنز العمال، ج 3، ص 28
- [5]. بحارالانوار، ج 71، ص 212، ح 3
- [6]. سوره رحمان، آیات 1 تا 4
- [7]. غررالحکم، ج 2، ص 159
- [8]. نظامی گنجوی، لیلی و مجنون، در نصیحت فرزند
- [9]. سوره لقمان، آیه 19
- [10]. سوره فرقان، آیه 63
- [11]. بحارالانوار، ج 59، ص 310
- [12]. سوره اعراف، آیه 31

- [13]. گلستان سعدی، باب سوم در فضیلت قناعت، حکایت 7
- [14]. وسایل الشیعه، ج 12، ص 49
- [15]. سوره فتح، آیه 29
- [16]. نهج البلاغه، نامه 38
- [17]. وسایل الشیعه، ج 11، ص 286
- [18]. سوره مائده، آیه 8
- [19]. زناشویی و اخلاق، ص 38
- [20]. سوره مؤمنون، آیه 6
- [21]. مکارم الاخلاق، ج 3، ص 515
- [22]. وسایل الشیعه، ج 14، ص 6
- [23]. غررالحکم، ج 5، ص 327
- [24]. نهج الفصاحه، حدیث 1057
- [25]. سفینه البحار، ج 2، ص 431
- عقیل مصطفوی مجد